کتاب الزکاة
زکات بدن(زکات فطرة).
معنای فطره
در لغت
خلقت
زکات خلقت بدن
الأول: الخلقة، كما في الآية الشريفة (فَاطِرِ السَّماوٰاتِ وَ الْأَرْضِ)* أي خالق السماوات
اسلام
الثاني: الدين و الإسلام، كما ورد ذلك في الوسائل:عن فضل بن عثمان الأعور عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال: ما من مولود يولد إلّا على الفطرة، فأبواه اللذان يهوّدانه و ينصّرانه و يمجّسانه
زکات دین و آیین اسلام
به همین دلیل کسی که قبل از هلال ماه شوال مسلمان شود باید زکات فطره بدهد بخلاف کافری که بعد از هلال مسلمان شده
شرایط و احکام وجوب زکات فطره
شرایط وجوب زکات فطره(شرایط زکات دهنده).
بالغ
بنابراین بر کودک زکات فطره واجب نیست
لاشتراط التكليف فلا تجب على الصبي و المجنون بلا خلاف لحديث رفع القلم عنهما(قال رسول الله صل الله علیه و آله: رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلاثَةٍ: عَنِ النّائِمِ حَتّى يَسْتَيْقِظَ وَ عَنِ الْمَجْنونِ حَتّى يُفيقَ وَ عَنِ الطِّفلِ حَتّى يَحْتَلِمَ).
عاقل
بنابراین بر مجنون زکات واجب نیست
حر(آزاد).
بنابراین بر عبد زکات واجب نیست
فلا تجب على العبد و إن قلنا بملكيته بلا خلاف فيه لحديث ابن الحجاج
چه عبد قن(خالص)باشد یا مدبر و مکاتب بله عبد مکاتب مطلقی که جزئی از آن آزاد شده متناسب با آن باید زکاتش را خودش بدهد
زکات جزء غیر آزاد مکاتب مطلق و همچنین زکات مکاتب مشروط را در صورتی که نان خور خود باشند چه کسی می پردازد؟فیه قولان
بر عهده مولی است
نه عهده خودش است نه به عهده مولی
غنی(مالک قوت سنه).
بنابر این بر فقیر واجب نیست
بلا خلاف للأخبار منها: صحيح الحلبي عن أبي عبد الله عليه السلام (سئل عن رجل يأخذ من الزكاة، عليه صدقة الفطرة؟ قال عليه السلام: لا).
برای مالک قوت سال در وجوب زکات شرط نیست که به اندازه زکات نانخورهایش بیش از قوت سال داشته باشد و با پرداخت زکات نانخورهایش از قوت سالش کم نشود
لإطلاق الأخبار، و عن الفاضلين و المحقق الثاني اعتبار الزيادة المذكورة لأنه لو وجبت الفطرة عليه مع عدم هذه الزيادة ينقلب فقيرا، لنقصان مئونة سنته بمقدار الأصواع الواجبة و ردّ بأن الغنى المأخوذ شرطا في وجوب الفطرة مطلق، و هو لا ينافيه الفقر بعد الوجوب..-
احکام وجوب زکات فطره
کسی که زکات بر او واجب است باید زکات خود و نان خورهایش مانند فرزند و همسر و میهمان را بپردازد اگر چه واجب النفقه او نباشند(تبرعا نفقه آنها را می دهد).
بلا خلاف للأخبار منها: صحيح عمر بن يزيد (سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل يكون عنده الضيف من إخوانه فيحضر يوم الفطر يؤدي عنه الفطرة؟ فقال: نعم الفطرة واجبة على كل من يعول من ذكر أو أنثى، صغير أو كبير، حر أو مملوك -
زکات میهمان و شبه میهمان
ملاک در میهمان چیست؟ملاک صدق اسم میهمان اگر چه یک لحظه قبل از هلال باشد
با وجوب زکات بر میزبان پرداخت آن از گردن میهمان ساقط است اگر چه میزبان زکات را نپردازد و اگر میهمان بدون اذن میزبان تبرعا هم زکات بپردازد از گردن میزبان ساقط نمی شود بلکه اگر با میزبان با اذن میهمان زکات بپردازد از گردن میزبان ساقط می شود
تسقط عنهم على المشهور لتوجيه الخطاب إليه دونهم.
لأن الزكاة مشروطة بالنية و هي تحصل بدفعه لها أو يكون الدفع بإذنه، و هذا لم يتحقق.
زکات همسر و فرزندان
در وجوب زکات همسر و فرزندان و عبد نان خور بودن شرط نیست ولو نانخور خود باشند چرا که واجب النفقه انسان هستند بله اگر نانخور شخص دیگری باشند زکات از عهده زوج و مولی خارج می شود بنابراین زوجه واجب النفقه زوج نباشد مانند ناشزه زکاتش بر او واجب نیست
زکات فطره کافر
زکات فطره همانند زکات مال بر کافر واجب است(از شرایط تعلق زکات فطره اسلام نیست).
مقتضى إطلاق أدلتها وجوبها على الكافر و المسلم
با اینکه زکات فطره بر کافر واجب است اما در زمان کفرش از او پذیرفته نیست(لاعتبار القربة فيها، و هذا غير ممكن من الكافر) و اگر بعد از هلال هم مسلمان شود زکات از او ساقط می شود
لصحيح معاوية بن عمار (سألت أبا عبد الله عليه السّلام الى ان قال ... قد خرج الشهر، و سألته عن يهودي أسلم ليلة الفطر، عليه فطرة؟ قال عليه السّلام: لا)
اشکال:اگر با اسلام زکات از کافر ساقط می شود پس فایده وجوب زکات در حال کفر چیست؟پاسخ:ثمره وجوب زکات در حال کفر عقاب کافر به دلیل نپرداختن زکات است اگر در حال کفر بمیرد چنانکه در بقیه عبادات هم همین گونه است
وجبت العبادة على الكافر و هذا هو المشهور المعروف عن الإمامية، و ادعى بعضهم الإجماع عليه و يقتضيه عموم أدلة التكليف، و خالف أبو حنيفة فذهب إلى عدم تكليفهم بالفروع و يؤيده أن تكليف الكافر بالفروع مشكل مع الالتزام بعدم صحتها منه فلو أريد الإتيان بها حال الكفر مع عدم الصحة فهو تكليف ما لا يطاق و هو قبيح عقلا و لو أريد الإتيان بها بعد إسلامه فهو مناف لالتزامهم بأن العبادات الثابتة حال الكفر تسقط بالإسلام للحديث النبوي المشهور: (الإسلام يجب ما قبله) .و ردّ بأنهم قادرون على الامتثال الموجب للتقرب برفع الكفر فهو تكليف بالمقدور.
وقت تعلق زکات
ملاک اعتبار شروط بیان شده تحقق آن در قبل از غروب شب عید است و ملاک در میهمان صدق اسم میهمان است پس اگر بعد از غروب محقق باشند مثلا بعد از غروب کسی غنی شود فطره بر او واجب نیست هر چند اگر شرایط بعد از غروب و قبل از زوال روز عید محقق شوند دادن زکات مستحب است
لأنه وقت تعلق الوجوب و يدل عليه صحيح معاوية بن عمار (سألت أبا عبد الله عليه السّلام: عن مولود ولد ليلة الفطر، عليه فطرة؟ قال عليه السّلام: لا، قد خرج الشهر، و سألته عن يهودي أسلم ليلة الفطر، عليه فطرة؟ قال عليه السّلام: لا).
قوله: و الضيف.المعتبر إطلاق اسمه عليه عرفاً و إن لم يكن قد أكلَ عنده قبل الهلال إذا تحقّق وصفه قبلُ و اتّصل به(شهید ثانی حاشیه بر شرایع ص159
المعتبر في الضيف كونه عند المضيف في جزء من شهر رمضان متّصل بشوّال، و المرجع فيه إلى ما يعدّ ضيفا)عرفا، و إن لم يكن قد أكل عنده بل و لو أكل عند غيره . شهید ثانی حاشیه ارشاد ج 1 ص 277
و قد اختلف الأصحاب (رضوان اللّه عليهم) في ذلك، فقيل إنها تجب بغروب شمس آخر يوم من شهر رمضان.. و الظاهر أنه هو المشهور بين المتأخرين، و قيل إن أول وقت وجوبها طلوع الفجر من يوم الفطر،
مقدار زکات فطره و جنس آن
مقدار زکات فطره یک صاع برای هر انسان(تقریبا سه کیلو) است
بلا خلاف فيه للأخبار الكثيرة منها: صحيح صفوان الجمال عن أبي عبد الله عليه السلام (عن الفطرة فقال: على الصغير و الكبير و الحر و العبد، عن كل إنسان صاع من بز أو صاع من تمر أو صاع من الزبيب
هر صاع برابر نه رطل است
مقدار زکات فطره یک صاع(نه رطل) است حتی برای شیر
و قیل در شیر مقدار زکات شش رطل یا چهار رطل است
جائز است به جای عین یکی از اجناس قیمت آن بر اساس قیمت روز پرداخت شود و این قیمت منحصر در آنچه که در برخی روایات آمده(مانند یک صاع به یک درهم) نیست چرا که آن قیمت مربوط به آن زمان بوده
جنس زکات فطره از گندم و جو خرما یا کشمش یا برنج پوست کنده یا کشک و یا خرما می باشد
این اجناس در هر صورت مجزی است هر چند قوت غالب نباشند اما غیر آن در صورتی موجزی است که قوت غالب زکات دهنده باشد
افضل این اجناس خرماست چرا که غذایی آماده است(نیاز به فرآوری و پخت و پز ندارد) و غذاست و هم خورش(نیاز به چیز دیگری ندارد).
(لصحيح هشام بن الحكم عن أبي عبد الله عليه السلام التمر في الفطرة أفضل من غيره، لأنه أسرع منفعة، و ذلك إذا وقع في يد صاحبه أكل منه)
بعد از خرما افضل اجناس کشمش است به همان دلیلی که در خرما بیان شد
بعد از این موارد افضل قوت غالب زکات دهنده است
أي قوت نفسه لأخبار القوت الغالب المتقدمة، و قد عرفت أنها محمولة على قوت الغالب على البلد
کیفیت پرداخت زکات فطره
واجب است نیت زکات در هنگام پرداخت زکات فطره و زکات)مال به مستحق یا وکیل عام او مانند امام و نائب عام امام نائب در چند کار) و یا نائب خاص امام(نائب تنها در امر جمع آوری زکات) یا وکیل خاص شخص مستحق
لأنها من العبادات بالاتفاق
اگر مالک هنگام پرداخت زکات به واسطه زکات(امام یا وکیل عام یا خاص امام یا وکیل خاص مستحق)و واسطه وقابض هنگام پرداخت زکات به مستحق نیت کند مجزی است
آیا عزل(جدا سازی و تعیین زکات در بخشی از مال)به واسطه نیت، در زکات جائز است
اگر عزل لعذر(به دلیل عذری مانند عدم دسترسی به فقیر) باشد جائز است
اگر عزل لالعذر باشد فیه قولان(جواز یا عدم جواز).
در صورت تلف مال بعد از عزل آیا مالک ضامن است؟
در صورتی که عزل لعذر باشد ضامن نیست چرا که در این صورت بعد از عزل ید او ید وکیل (ید امانی)است و اگر تفریط نکرده باشد ضامن نیست
)در صورتی که عزل لالعذر باشد مالک ضامن است مطلقا چه تفریط کرده باشد یا خیر) هم ضامن اصل مال و هم ضامن نماء آن
اشکال:اگر مالک حتی در صورت عدم تفریط ضامن است پس ثمره جواز عزل لا لعذر چیست؟ پاسخ:در صورت عزل زکات منحصر در مال معین شده است و تصرف در آن جائز نیست و منفعت ان هم(مثل بچه گوسفند)تابع مال معین شده است
موارد مصرف زکات فطره(افرادی که زکات فطره به آنها تعلق می گیرد
مصرف آن مانند زکات مال است
اگر بعد از پرداخت زکات کشف شود که گیرنده آن استحقاق زکات نداشته(مثلا غنی بوده) در این صورت
باز پس گرفتن عین یا بدل آن ممکن است باید آنرا باز پس گرفت
لأن المال ما زال تحت سلطة المالك و له إرجاعه و لو تلف و مع علم القابض فهو ضامن و إلا فل
باز پس گرفتن عین یا بدل ممکن نیست
مالک تحقیق و تلاش لازم را از وضعیت مستحق داشته در این صورت زکات او مجزی است
على المشهور لخبر الحسن (قلت لأبي عبد الله عليه السلام: رجل عارف أدى الزكاة إلى غير أهلها زمانا، هل عليه أن يؤديها ثانية إلى أهلها إذا علمهم؟ قال: نعم، قلت: فإن لم يعرف لها أهلا فدفعها إلى من ليس هو لها بأهل، و قد كان طلب و اجتهد ثم علم بعد ذلك سوء ما صنع، قال: ليس عليه أن يؤديها مرة أخرى)
مالک تحقیق و تلاش لازم را از وضعیت مستحق نداشته نداشته(مثل اینکه به ادعای خود مستحق اکتفاء کرده با اینکه امکان بررسی داشته)در این صورت زکات او مجزی نیست
نکته:اگر کسی که زکات به او پرداخت شده عبد مالک باشد و بعد از آن که قابض(مثلا ولی فقیه)زکات را به عبد داد کشف خلاف شد که او عبد است و واجب النفقه مالک است در این صورت مالک مطلقا ضامن است(چه فقیه تحقیق کرده باشد یا خیر) چرا که زکات از ملک او خارج نشده(عبد و آنچه در ید اوست متعلق به مولی است).
اشکال شهید ثانی:اگر حد وسط و علت ضامن بودن مالک را این بدانیم که زکات از ملک او خارج نشده باید در باقی موارد هم همین حکم را کنیم چون با کشف عدم استحقاق گیرنده زکات کشف می شود که زکات از ملک مالک خارج نشده
جواب به اشکال شهید ثانی:در غیر عبد فرض این است که بازپس گیری زکات ممکن نیست
جواب شهید ثانی:در عبد نیز فرض ما این است که بازپس گیری ممکن نیست همچنین نص وارد شده هم مطلق بوده و شامل عبد و غیر عبد هر دو می شود پس استثناء عبد وجهی ندارد
المعتبر إطلاق اسمه عليه عرفاً و إن لم يكن قد أكلَ عنده قبل الهلال إذا تحقّق وصفه قبلُ و اتّصل به
Central Topic